

به نام خدا

روابط خویشاوندی در حدیث رضوی

نگارش: احد داوری^۱

Davariahahad.blog.ir

چکیده:

بررسی روابط خویشاوندان از نگاه امام رضا علیه السلام با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر زندگی آن حضرت دارای اهمیت خاصی می باشد، بر این اساس نویسنده به بررسی روابط میان بستگان در گفتار و رفتار رضوی پرداخته است، بدین منظور پس از ذکر مفهوم خویشاوند و بیان واژه های معادل آن در ادبیات قرآنی، مهم ترین ثمرات رابطه با خویشاوندان را در اندیشه رضوی بر شمرده و پیامدهای قطع ارتباط با بستگان را از نگاه امام رضا علیه السلام مورد بررسی قرار داده و مهم ترین حقوق خویشاوندان را در مقابل والدین، فرزندان و سایر خویشان ذکر کرده است و در پایان به این نکته اشاره دارد که امام رضا علیه السلام از هر فرصتی برای معرفی عترت پیامبر به عنوان خویشاوندان نزدیک آن حضرت و جانشینان بر حق وی، همچنین شناساندن آنها به عنوان خانواده الگو در سبک زندگی اسلامی استفاده کرده است.

واژگان کلیدی: ارتباط، خویشاوندان، حقوق خویشاوندان، امام رضا علیه السلام، اهل بیت علیهم السلام.

۱. مقدمه

انسان در مقابل هر فردی که در جامعه با آن برخورد می کند یا به نحوی با او در ارتباط باشد مسئول است و این مسئولیت در مقابل افرادی که از لحاظ ارتباط خانوادگی سببی یا نسبی به انسان نزدیک ترند به صورت جدی تری مطرح می شود؛ برای این که انسان بتواند این وظیفه را به نحو مطلوبی به انجام رساند باید این روابط با به خوبی بشناسد؛ بی شک زمانی این شناخت کامل خواهد بود که از مجرای وحی نشأت بگیرد، به بیان دیگر صحیح و دقیق بودن این شناخت زمانی تضمین می گردد که از نگاه الهی به این روابط نگریسته شود که بر طبق اعتقاد شیعه ائمه اطهار علیهم السلام مفسران واقعی وحی (و قرآنی) خواهند بود که بر پیامبر گرامی اسلام نازل شده است؛ که البته تفاوتی بین هیچ یک از آن ائمه در تبیین وظایف و مسئولیت های مسلمانان وجود ندارد ولی با توجه به شرایطی که در عصر زندگانی امام رضا علیه السلام حاکم بود بررسی موضوع از نگاه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام برخی جنبه های نهفته را روشن تر خواهد کرد و حداقل برخی روابط خویشاوندی را مورد تاکید بیشتری قرار خواهد داد؛ البته بی شک اصول کلی روابط خویشاوندی از دیدگاه همه معصومان علیهم السلام یکسان است به طوری که حتی امام رضا علیه السلام تعداد قابل توجهی از احادیث مرتبط با موضوع را از پدران معصوم نقل کرده است. در هر صورت نگاهی به شرایط عصر زندگی امام رضا علیه السلام بیانگر تفاوت محسوس زندگی امام با سایر ائمه می باشد؛ در مقایسه بسیار جزئی با پدر حضرت مشاهده می شود که امام کاظم علیه السلام مدت زیادی در زندان خلیفه وقت به سر برده است (ابن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۳۱۵؛ جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۹۴) در حالی که امام رضا علیه السلام از آزادی بیشتری برخوردار بوده و حتی بر مسند ولیعهدی نیز تکیه کرده است. قطعاً این آزادی عمل تاثیر بیشتری بر تعامل امام با سایرین داشته است. تفاوت دیگر عصر امام برگزاری مناظرات اعتقادی با علمای فرقه ها و ادیان مختلف و معرفی اسلام ناب توسط امام بود که در عصر سایر ائمه چنین مناظراتی با این وسعت به ندرت یافت می شود. البته بیشتر تعامل امام مربوط به زمانی می شود که به دستور مامون و به طور اجباری (کلینی، ۱۳۶۲: ۴۸۸/۱ و ۴۸۹) از مدینه به مرو هجرت کردند و امکان چنین فعالیت هایی به امام داده شد و گرنه در مدینه رفتار امام بیشتر شبیه سایر ائمه علیهم السلام بود؛ به طوری که در جمله ای خطاب به مامون چنین مساله ای را بازگو کرده و می فرمایند: « به خدا سوگند خلافت را هیچ گاه با خود حدیث نفس نکرده ام و فکر آن را در سر نپرورانده ام، من در مدینه بودم با همان چهار پای سواری خود در کوچه های آن رفت و آمد می کردم، و مردم آن سامان و غیر از آنان از من حاجتشان را می خواستند، و من آنچه در توانم بود اجابت می کردم و حاجتشان را بر می آوردم» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۶۶/۲ و ۱۶۷؛ جزائری، ۱۴۲۷ق: ۳۷۰/۲). حاصل آنکه با توجه به این شرایط بررسی موضوع از دیدگاه امام رضا علیه السلام اهمیت خاصی پیدا خواهد کرد؛ بویژه که پژوهشی به طور مجزا پیرامون موضوع انجام نگرفته است هر چند به طور ضمنی برخی مباحث مرتبط در لابلای کتب حدیثی بدون تحلیل و بررسی ذکر شده است؛ از جمله در کتاب مسند الامام الرضا علیه السلام روایاتی از حضرت پیرامون صله ارحام ذکر شده است (عطاردی، ۱۴۰۶ق: ۱/۲۶۵-۲۶۷) که برای غنای بحث از آنها نیز استفاده شده است.

ناگفته نماند بررسی احادیث مربوط به روابط خویشاوندان در نگرش امام رضا علیه السلام به شناخت و آشنایی بیشتر فضای فرهنگی و اجتماعی عصر امام رضا علیه السلام کمک می کند و این آشنایی می تواند به فهم سایر احادیث

رضوی کمک کند، البته این مساله متقابل است یعنی شناخت فضای فرهنگی اجتماعی عصر امام علیه السلام نیز به نوبه خود به فهم احادیث مربوط به روابط خویشاوندان کمک می نماید؛ از جمله می توان فهمید در آن عصر کدامیک از خویشان مورد بی مهری مردم واقع بودند که امام ارتباط با آنها را مورد تاکید بیشتری قرار داده است و یا قطع ارتباط با آنها را نکوهش کرده است؛ (هر چند بررسی علل این بی تفاوتی مردم در جای دیگر باید بررسی شود)

نکته ای که در اینجا حائز اهمیت می باشد توجه به این نکته است که مبنای قضاوت احادیثی است که در حال حاضر از امام رضا علیه السلام در دسترس بوده و با واکاوی های مختلف به دست آمده است؛ هر چند نهایت تلاش برای احصاء احادیث رضوی در باب موضوع مورد بحث صورت گرفته است ولی ادعای یافتن همه احادیث رضوی مربوط به ارتباط خویشاوندان وجهی ندارد.

با این توضیح در این مجال بر آنیم تا به این سوالات پاسخ دهیم: خویشاوندان از نظر امام رضا علیه السلام به چه کسانی اطلاق می شود و خویشاوندان چه مصادیقی دارند؟ روابط خویشاوندی چه محدوده ای دارد؟ ثمرات شناخت ارتباط خویشاوندان در اندیشه رضوی چیست؟ این ثمرات برای خود فرد چه فوایدی دارد؟ برای سایر خویشان این ثمرات چگونه قابل تبیین است؟ قطع ارتباط با بستگان برای فرد و جامعه چه پیامدهایی دارد؟ خویشاوندان چه حقوقی بر ذمه فرد دارند؟ آیا این حقوق از جنبه های مختلف عاطفی، اقتصادی و ... قابل ارزیابی است؟ آیا امام به معرفی خانواده نمونه و الگو در ارتباط خویشاوندی پرداخته است؟ چرا امام علیه السلام به خویشی خود و سائر ائمه علیهم السلام با پیامبر در مقاطع مختلف تاکید نموده است؟

۲. مفهوم شناسی

تبیین و انتقال معانی بدون به کارگیری الفاظ میسر نیست و تلقی غیر همسان از واژگان موجب بروز مشکل در فهم مقصود می گردد، لذا گریزی نیست از اینکه برخی از واژگان کلیدی که اهمیتی ویژه برای نوشتار دارند و مکرر به کار رفته اند توضیح داده شوند تا معانی مورد نظر نویسنده به صورت کامل به خواننده منتقل گردد و فرایند انتقال پیام ناکام نماند، برای نیل به این مقصود به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی واژه محوری پژوهش یعنی خویشاوند و امام پرداخته می شود.

۲. ۱. امام؛ به دلیل معروف بودن از معرفی امام رضا علیه السلام خودداری می گردد، تنها باید این نکته را خاطر نشان کرد که نگرش نویسنده به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به عنوان «امام» و یکی از جانشینان برحق پیامبر خاتم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و به طور صرف یک شخصیت تاریخی، حدیثی و مذهبی نمی باشد. بنابر این مراد از احادیث رضوی، سیره، گفتار و تایید امام علیه السلام می باشد که در تعریف حدیث در کتب مربوطه لحاظ شده است. (غفاری، ۱۳۶۹: ۱۱)، همچنین نگرش به احادیث رضوی از منظر درون دینی صورت گرفته است یعنی فقط احادیثی مورد توجه قرار گرفته است که در کتب شیعه آمده است و به احادیث نقل شده در کتب عامه استشهد نشده است هر چند احادیث منقول از آن حضرت در کتب عامه معدود است. تفاوت دیگر احادیث منقول در کتب عامه و شیعه نوع

نگرش به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می باشد که در نگرش شیعی به عنوان امام معصوم و جانشین برحق پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می باشد ولی در نگاه اهل سنت حداکثر به عنوان یکی از نوادگان دانشمند و صادق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و و عنوان «امام» مدخلیتی در احادیث آنها ندارد.

لازم به ذکر است که مواردی از احادیث رضوی با تعریف فوق مورد توجه قرار گیرد که در سبک زندگی نقش و تاثیری دارند و لذا در مواردی که به سبک زندگی ارتباط معناداری ندارند مورد استدلال قرار نمی گیرند.

۲.۲. خویشاوند؛ خویشاوند به کسی گفته می شود که به واسطه نسبت یا از طرف پدر یا مادر و جز آن به شخص نزدیک باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۸۹۲۳/۶ و ۸۹۲۴) و به تعبیر قرآن انسانها دارای دو نوع خویشاوندی سببی و نسبی است: وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا (فرقان: ۵۴) بنابراین خویشاوندان به کسانی گفته می شوند که از طرف والدین یا همسر با انسان ارتباط دارند؛ بی شک در این بررسی پدر و مادر، فرزندان، برادران و خواهران و سایر بستگان از قبیل عموها، عمه ها، دایی ها، خاله ها و... جزء خویشاوندان محسوب خواهد شد. در قرآن برای تبیین مفهوم خویشاوندان از تعبیر گوناگونی استفاده شده است که در روایات نیز تعبیر مشابهی دیده می شوند؛ شناخت این تعبیر بدین خاطر اهمیت دارد که در احادیث امام باید به همه این واژه ها توجه نمود تا جامعیت نسبی پژوهش به دست آید، مهم ترین معادل های خویشاوندان را در عرف قرآن می توان چنین بر شمرد:

۱. **رحم (جمع ارحام):** در اصل لغت رحم به معنای محل رشد جنین است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۲۲۴/۳) نظیر عبارت: وَ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ (لقمان: ۳۴) و به قوم و خویش از آن جهت رحم و ارحام گفته اند که آنها از یک رحم خارج شده اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۴۷) لذا در عبارت وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ (نساء: ۱) ارحام به معنای خویشاوندان خواهد بود. (طریحی، ۱۳۷۵: ۶۹/۶؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۶۸/۳).

۲. **اقرباء:** قُرب در مقابل بُعد به معنای نزدیکی است که در مکان، زمان، نسبت فامیلی و... به کار می رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۶۳) مانند لَرَجَالٍ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ (نساء: ۷) وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَى (نساء: ۳۶).

۳. **نسب:** به معنای خویشاوندی و خویشاوندان (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۲۷۱/۷) نظیر آیه فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ (مومنون: ۱۰۱) هر چند برخی معتقدند فقط در باره خویشاوندان پدری به کار می رود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۷۵۵/۱).

۴. **صهرو:** به معنای مطلق خویشاوندی به کار می رود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴۷۱/۴) و گاهی مختص خویشاوندی است که از ناحیه ازدواج حاصل می شود (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۷۰/۳) به دلیل تقابلی که در آیه شریفه وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا (الفرقان: ۵۴) وجود دارد.

۵. **عشیره:** خانواده مرد را گویند که به وسیله آنها زیاد شده و کامل می گردد چرا که عشیره از عشیره اخذ شده که عدد کامل است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۶۷) برخی نیز آن را اقوام نزدیک پدری یا قبیله گفته اند (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۴۰۴) دقت در آیه زیر بیان می کند که عشیره به خویشاوندانی گفته می شود که دورتر از پدران و فرزندان و برادران و

همسران هستند چرا که به طور مجزایی در کنار آنها آمده است: قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا ... (توبه: ۲۴)

۶. **اهل**: به معنی خانواده، فامیل و خویشاوندان است (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۱۴/۵؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱۳۵/۱)، «اهل الرجل» به معنی همسر و نزدیک ترین فرد به مرد (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸۹/۴) است. در قرآن کریم گاهی به خانواده (زن و بچه) اطلاق شده است: ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (بقره: ۱۹۶)

۷. **آل**: به معنای خاندان و خویشاوندان به کار می رود (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۰۹/۵) که در قرآن فقط به معنی قرابت به کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۵: ۹۴/۱): لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَا لَا ذِمَّةً (توبه: ۱۰).
برخی واژگان نیز معنای ضمنی خویشاوندی را دارند از جمله:

الف. رهط: به معنای قوم و قبیله مرد به کار می رود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۰۵/۷) و در صورتی که از ده نفر کمتر باشد به معنای عشیره فرد است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۶۷) نظیر عبارت لَوْ لَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ (هود: ۹۱)

ب: قوم: ظاهراً فقط به مردان گفته می شود و زنان در قوم داخل نمی شوند (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۳۱/۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۶۷/۴) هر چند برخی معتقدند قوم هم شامل زنان است و هم مردان (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۰۵/۱۲)؛ گاهی برخی مصادیق قوم در آیات به معنای خویشان نزدیک است مثلاً در آیه إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى (قصص: ۷۶) به معنای پسر خاله یا پسر عمو می باشد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۱۵/۷ و ۴۱۶).

ج: عترت: به خویشان نزدیک اطلاق می شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۳۸/۴) لذا به ذریه پیامبر از حضرت علی و فاطمه علیهما السلام عترت محمد صلی الله علیه و آله و سلم اطلاق می گردد (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۹۶/۳).

با توجه به دشمنی برخی خویشاوندان با انسان (بِأَيِّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ... تغابن: ۱۴) باید خاطر نشان کرد که در منطق قرآن هر کسی که از پدر و مادر متولد شود «اهل» آن خانواده به شمار نمی آید همانطوری که در باره فرزند نوح علیه السلام می فرماید: يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ (نوح: ۴۶) پس می توان گفت: خانواده و خویشاوند به کسی گفته می شود که ارتباط دینی یا آیینی با فرد دارد و به هر زن و شوهری در فرهنگ قرآن خانواده گفته نمی شود؛ لذا گاهی از هم کیشان به برادر تعبیر نموده است (اعراف: ۳۸)؛ همچنانکه «اخ» علاوه بر اینکه به فرزند پدر و مادر انسان اطلاق می شود (اعراف: ۱۱۱) به هموطن (و به اصطلاح امروزی یا همشهری) نیز اطلاق می گردد، همانطوری که به عاد (اعراف: ۶۵)، صالح (اعراف: ۷۳)، شعیب (اعراف: ۸۵) و نوح علیهم السلام (شعراء: ۱۰۶) اطلاق گردیده است که به عنوان برادری به سوی قوم خود مبعوث گشته اند. لذا محدوده خویشاوندی در منطق اسلام و ایمان به خداوند است و کسانی که تسلیم خداوند نیستند هر چند از یک پدر و مادر باشند جزء خویشان محسوب نمی شوند. لذا در صورت دشمنی آنها با خدا باید از آنها تبری جست (مجادله: ۲۲). با این مساله در اسلام برای خویشاوندان غیر مسلمان نیز تاکید به رعایت حقوق شده است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۲/۲).

نگاه مختصر به روایات منقول از امام رضا علیه السلام نیز این سخن را تایید می کند، امام در فرمایشات خود بارها به

نیکی به والدین تاکید می کند که می توان آنها را به عنوان مصادیقی از خویشان و مهم ترین آنها قلمداد نمود؛ همچنین گاهی برخی از مصادیق خویشی را مانند زن، دختر، دختر عمو و یا زن دیگری از سایر بستگان را جزء افرادی می داند که فرد می تواند در دفاع از آنها تا سر حد مرگ دفاع کند: عن أحمد بن محمد بن خالد، عن أبيه عمّن ذكره عن الرضا عليه السلام عن الرجل يكون في السفر و معه جارية له، فيجىء قوم يريدون أخذ جاريته أ يمنع جاريته من أن تؤخذ، و إن خاف على نفسه القتل؟ قال: نعم، قلت: و كذلك إن كانت معه امرأة قال: نعم، قلت: و كذلك الأمّ و البنت و ابنة العمّ و القرابة يمنعهنّ و إن خاف على نفسه القتل؟ قال: نعم، قلت، و كذلك المال يريدون أخذه في سفر فيمنعه و إن خاف القتل؟ قال: نعم. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵۲/۵ و ۵۳)

امام گاهی برادر بزرگ را به منزله پدر معرفی می کند: الْأَخُ الْأَكْبَرُ بِمَنْزِلَةِ الْأَبِ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۴۲) و گاهی دوستی را برتر از بیست سال خویشاوندی می داند و علم را برای خویشاوندی برتر از اجداد معرفی می کند: عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ سَمِعْتُ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَوَدَّةُ عَشْرِينَ سَنَةً قَرَابَةٌ وَ الْعِلْمُ أَجْمَعُ لِأَهْلِهِ مِنَ الْأَبَاءِ؛ (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۳۱/۲).

۳. ثمرات رابطه با خویشاوندان

در نظر امام رضا علیه السلام ارتباط با خویشاوندان هم برای خود فرد ثمراتی دارد و هم برای سایر خویشاوند مفید می باشد، هر چند لفظ خود ارتباط نیز بیانگر دو جانبه بودن آن می باشد؛ در هر صورت از منظر احادیث رضوی می توان ثمرات زیر را برای ارتباط با خویشاوندان بر شمرد:

۳. ۱. **زیاد شدن ایمان**؛ امام رضا علیه السلام از جد خود امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمودند: صَلََةُ الْأَرْحَامِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ زِيَادَةٌ فِي الْإِيمَانِ. (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۸۲)؛ صله رحم و حسن خلق باعث زیاد شدن ایمان می شود.

شاید بتوان این روایت را تفسیر این آیه دانست که می فرماید: وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ (بقره ۸۳)؛ و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید آنگاه جز اندکی از شما [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید.

در این آیه مفاد میثاق بنی اسرائیل با خداوند ذکر شده است که امام به دو مورد تاکید کرده است: نیکی به خویشاوندان و حسن خلق با مردم.

۳.۲. **زیاد شدن اموال؛** امام رضا علیه السلام به نقل از امام باقر علیه السلام می فرمایند: **صِلَهُ الْأَرْحَامَ وَ حُسْنُ الْجَوَارِ زِيَادَةٌ فِي الْأَمْوَالِ**. (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۸۵)؛ پیوند با خویشاوندان و خوش رفتاری با همسایگان باعث افزایش ثروت می شود.

۳.۳. **طول عمر؛** امام هشتم از امام ششم علیهما السلام نقل کرده که حضرت فرمودند: **صِلَهُ الْأَرْحَامَ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ زِيَادَةٌ فِي الْأَعْمَارِ** (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۹۷/۷۱)؛ صله ارحام و خلق خوش فزونی در عمرها است (مجلسی، ۱۳۶۴: ۶۳/۱)

امام در روایت دیگری از امام حسین علیه السلام نقل کرده است که هر که شاد شود که مرگش به تاخیر افتد (عمرش طولانی گردد) و روزی اش زیاد شود باید صله رحم کند؛ **عَنِ الرَّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنْسَأَ فِي أَجَلِهِ وَ يُزَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ** (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۴۴/۲؛ ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۵۸/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۹۱/۷۱؛ عطارودی، ۱۴۰۶: ۲۶۶/۱). همچنین می فرمایند: **مَا نَعَلِمُ شَيْئاً يَزِيدُ فِي الْعُمُرِ إِلَّا صِلَةَ الرَّحِمِ يَكُونُ الرَّجُلُ يَصِلُ رَحِمَهُ فَيَكُونُ قَدْ بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ ثَلَاثُ سِنِينَ فَيَصِيرُهَا اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً - وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ؛** ما چیزی را که باعث طول عمر شود نمی شناسیم به جز صله رحم، چه بسا مردی صله رحم می کند که از عمرش سه سال باقی مانده است و خداوند (به خاطر صله رحم سه سال باقیمانده را) سی سال می کند و خداوند هر چه را بخواهد انجام می دهد. (عطارودی، ۱۴۰۶: ۲۶۵/۱). در برخی از روایت ها ادامه روایت فوق چنین آمده است که فردی که سی سال از عمرش باقیمانده است به دلیل قطع رحم به سه سال کاهش می یابد؛ **وَ يَكُونُ أَجَلُهُ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَيَكُونُ قَاطِعاً لِلرَّحِمِ فَيَنْقُصُهُ اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ يَجْعَلُ أَجَلَهُ إِلَى ثَلَاثِ سِنِينَ** (عطارودی، ۱۴۰۶: ۲۶۶/۱).

علامه مجلسی در شرح روایت فوق می نویسد: با توجه به اینکه در برخی روایت ها مواردی چون صدقه و حسن همجواری و امثال آنها باعث طول عمر می شود انحصار طول عمر به صله رحم (مَا نَعَلِمُ شَيْئاً يَزِيدُ فِي الْعُمُرِ إِلَّا صِلَةَ الرَّحِمِ) به دلیل اثر گذاری بیشتر صله رحم در طول عمر نسبت به سایر چیزهاست و یا اینکه به دلیل تاثیر استقلالی صله رحم در طول عمر است برخلاف سایر موارد که تاثیر استقلالی ندارند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۲۱/۷۱).

۳.۴. **جلب محبت خانواده؛** بزنی از امام رضا علیه السلام نقل کرده است که صله رحم باعث به تاخیر افتادن مرگ، زیاد شدن مال و جلب محبت خانواده است؛ **صِلَةُ الرَّحِمِ مَنْسَأَةٌ فِي الْأَجْلِ، مَثْرَاءٌ فِي الْمَالِ، وَ مَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ** (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۳۵۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۵۱/۲)

۳.۵. **دوستی خدا و بهشت؛** امام رضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که حضرت فرمودند: **مَنْ ضَمِنَ لِي وَاحِدَةً ضَمِنْتُ لَهُ أَرْبَعَةً - يَصِلُ رَحِمَهُ فَيَجِبُ أَهْلُهُ وَ يُوسَعُ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ - وَ يُزَادُ فِي أَجَلِهِ وَ يُدْخِلُهُ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَهُ** (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۵۶؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۳۷/۲)؛ هر کس یک چیز را برای من ضمانت کند، من چهار چیز را برای او ضمانت می کنم. با خویشاوندان خود رابطه داشته باشد، تا خدا او را دوست بدارد، و به او روزی فراخ دهد، و عمر او را طولانی کند و او را به بهشتی که وعده داده است وارد کند.

ناگفته نماند یکی از بهترین زمان ها برای صله ارحام توسط معصومان عليهم السلام ماه رمضان معرفی شده است به طوری که حضرت رضا علیه السلام با نقل خطبه شعبانیه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، رحمت پروردگار را از ثمرات صله رحم در ماه رمضان معرفی می کند: مَنْ وَصَلَ فِيهِ رَحِمَهُ وَصَلَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَ مَنْ قَطَعَ فِيهِ رَحِمَهُ قَطَعَ اللَّهُ عَنْهُ رَحْمَتَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۲۹۶) و هر کس در این ماه صله رحم کند، خداوند او را در روزی که ملاقاتش میکند، به رحمت خود پیوند می دهد، و هر کس در این ماه قطع رحم کند، خداوند رحمتش را- در روزی که او خدا را ملاقات میکند- از او قطع خواهد کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۱/۵۹۹).

نکته قابل توجه آن است که صله ارحام همیشه در کنار خصوصیت اخلاقی حسن خلق ذکر شده است، شاید به این خاطر که این دو در همدیگر تاثیر دارند یعنی حسن خلق باعث صله ارحام می شود یا اینکه صله ارحام باید با حسن خلق همراه باشد.

۴. پیامدهای قطع ارتباط با بستگان

همانگونه که در روایات برای ارتباط با خویشاوندان فوایدی ذکر شده است قطع ارتباط با خویشان نیز پیامدهایی دارد به طوری که طبق نقل امام رضا علیه السلام، یکی از مواردی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم از آینده امت بیمناک بود قطع رحم می باشد و جالب این است که قطع رحم در کنار مواردی چون بی توجهی به قرآن قرار گرفته است:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ يَقُولُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ اسْتِخْفَافًا بِالذِّينِ وَ مَنَعَ الْحُكْمِ وَ قَطِيعَةَ الرَّحِمِ وَ أَنْ تَتَّخِذُوا الْقُرْآنَ مَرَامِيرَ يُفَدُّمُونَ أَحَدَهُمْ وَ لَيْسَ بِأَفْضَلِهِمْ فِي الدِّينِ (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۷۸)؛ از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم می فرمود: من از این ترسانم که شما در آینده دین را کوچک و بی اهمیت شمارید و بدان بی اعتنائی کنید، و در مورد حکم رشوه گیرید و منصب قضاء و داوری را خرید و فروش نمایید، و قطع رحم کنید، قرآن را آلت لهو و لعب قرار دهید و با قرائت آن مجلس انس آوازخوانی و نوازندگی تشکیل دهید، و بالاخره در نماز جماعت کسانی را مقتدا قرار دهید که در دین از شما بالاتر نیستند. (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۲/۵۰).

با این توضیح مهم ترین پیامدهای قطع ارتباط با خویشاوندان در احادیث رضوی را می توان چنین برشمرد:

۴. ۱. بی تقوایی؛ قطع رحم بیانگر بی تقوایی می باشد که امام علیه السلام در این زمینه چنین استدلال کرده است: خداوند به سه چیز دستور داده است که همراه با سه چیز دیگرند، به نماز و زکات امر فرمود، که هر کس نماز بخواند و زکات نهد نمازش قبول نخواهد شد، و به سپاسگزاری از خویش و والدین امر فرموده که هر کس از پدر و مادرش تشکر و سپاسگزاری نکند خداوند را شکر نکرده است و امر به تقوی و صله رحم نموده است و هر کس صله رحم نکند در واقع تقوی نداشته است. (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۱/۵۳۲ و ۵۳۳)؛ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بَهَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ فَمَنْ صَلَّى وَ لَمْ يُزَكِّ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَ أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ وَ أَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَ صَلَاةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۲۵۸).

قسمت اول روایت در آیات متعددی ذکر شده است از جمله در آیه ۷۱ سوره توبه چنین می خوانیم: وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و از کارهای ناپسند باز می دارند و نماز را بر پا می کنند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می برند آناند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است.

قسمت دوم می تواند اشاره به آیه ۱۴ سوره لقمان باشد که می فرماید: وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِي سِنِينَ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ؛ انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش به او باردار شد سستی بر روی سستی و از شیر باز گرفتنش در دو سال است [آری به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است.

قسمت آخر روایت اشاره به آیه اول سوره نساء دارد که می فرماید: وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا؛ و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می کنید پروا نمایید و زنه از خویشاوندان مبرید که خدا همواره بر شما نگهبان است.

۴. ۲. از دست دادن توفیق اطاعت پروردگار؛ امام رضا علیه السلام عقوق والدین را که یکی از مهم ترین مصادیق قطع ارتباط با خویشاوندان است باعث منع توفیق اطاعت پروردگار دانسته و می فرماید: حَرَّمَ اللَّهُ عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ لِمَا فِيهِ مِنَ الْخُرُوجِ مِنَ التَّوْفِيقِ لِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ التَّوْقِيرِ لِلْوَالِدَيْنِ وَ تَجَنُّبِ كُفْرِ النُّعْمَةِ وَ إِبْطَالِ الشُّكْرِ وَ مَا يَدْعُو مِنْ ذَلِكَ إِلَى قَلَّةِ النَّسْلِ وَ انْقِطَاعِهِ لِمَا فِي الْعُقُوقِ مِنْ قَلَّةِ تَوْقِيرِ الْوَالِدَيْنِ وَ الْعِرْفَانِ بِحَقِّهِمَا وَ قَطْعِ الْأَرْحَامِ وَ الزُّهْدِ مِنَ الْوَالِدَيْنِ فِي الْوَالِدِ وَ تَرْكِ التَّرْبِيَةِ بَعْلَةً تَرْكِ الْوَالِدِ بَرَّهُمَا (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۹۱)؛ خدا عقوق والدین را حرام کرد، چون باعث بی توفیقی در اطاعت خدا عز و جل شود و هم احترام والدین از بین می رود و نعمت خدا کفران می شود و اساس سپاسگزاری نابود می شود و آنچه را که میخواند به سوی قلت نسل و انقطاع آن به بار می آورد، زیرا در مخالفت والدین و ناراضی ساختن آنان احترامی برای پدر و مادر باقی نمی ماند و حقوقشان شناخته نمی شود و خویشی قطع می گردد و والدین رغبتی به فرزند نخواهند داشت و لذا در تربیت او کوششی نخواهند نمود، برای آنکه امیدی به نیکی او در عوض ندارند چرا که فرزند اطاعت آنان را رها کرده است. (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱ / ۴۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۲ / ۱۷۹).

در روایت دیگری امام به نقل حدیثی نبوی پرداخته و عقوق والدین را با توجه به آیه وَالَّذِينَ يَنْفُسُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (رعد: ۲۵) باعث دوری از رحمت پروردگار معرفی می کند: ... و نیز ترک عمدی نماز و یا هر واجب دیگری، زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس نماز را عمدا و بی دلیل ترک کند، رابطه اش با خدا قطع خواهد شد و خداوند با او پیمانی نخواهد داشت»، و نیز عهدشکنی و قطع صلح رحم، زیرا خداوند میفرماید: «أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۱ / ۵۸۵)؛ ... وَ تَرْكُ الصَّلَاةِ مُتَعَمِّدًا أَوْ شَيْئًا مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَقَدْ بَرِيَ مِنْ

ذِمَّةَ اللَّهِ وَ ذِمَّةَ رَسُولِهِ وَ نَفْضُ الْعَهْدِ وَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ أَوْلَيْكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۲۸۷/۱).

۴. ۳. ارتباط قطع رحم با مال نکوهیده دنیا؛ در فواید صله ارحام اشاره شد که توجه به خویشاوندان و صله با آنها باعث افزایش مال دنیا می شود؛ امام قطع ارتباط با خویشاوندان را باعث افزایش مال نکوهیده دنیا - و نه مطلق مال - می داند: عَنْ ابْنِ بَزِيعٍ قَالَ سَمِعْتُ الرُّضَاعَ يَقُولُ لَأَ يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالِ خَمْسٍ بِيْخُلٍ شَدِيدٍ وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ وَ حِرْصٍ غَالِبٍ وَ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ وَ إِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۲۷۶/۱ و ۲۷۷)؛ ثروت انباشته نمیشود مگر به علت پنج چیز: بخل شدید، آرزوی طولانی، حرص زیاد و غلبه کننده، قطع رحم و ترجیح دادن دنیا بر آخرت.

مال دنیا فی نفسه مورد نکوهش نیست که قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ تَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (اعراف: ۳۲)؛ [ای پیامبر] بگو زیورهای را که خدا برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده بگو این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می باشد این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می دانند به روشنی بیان می کنیم. پس این نکوهش مورد اشاره امام در این روایت دنیا اشاره ای است به نکوهش جمع دنیا در سوره همزه (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۴۳۳/۱۴) که می فرماید: وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (همزه: ۱-۳)؛ وای بر هر بدگوی عیجوبی که مالی گرد آورد و برشمرده پندارد که مالش او را جاوید کرده ولی نه قطعا در آتش خردکننده فرو افکنده خواهد شد. همچنین می توان علت این نکوهش را به دلیل عدم انفاق از اموال دنیا دانست (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۵۶۰/۲۱ و ۵۶۱).

۴. ۴. شکایت در پیشگاه پروردگار؛ حسن بن علی و شاء از امام رضا علیه السلام و ایشان از پدران بزرگوارشان علیهم السلام از حضرت علی علیه السلام نقل فرموده اند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن زمان که مرا به معراج می بردند، خویشاوندی را دیدم که به عرش الهی در آویخته و از خویشاوند دیگری شکایت می کند، گفتم: چند نسل بین تو و او فاصله است؟ گفت در جدّ چهلیم به هم می رسیم. (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۵۲۶ / ۱ و ۵۲۷)؛ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ رَحِمًا مُتَعَلِّقَةً بِالْعَرْشِ تَشْكُو رَحِمًا إِلَى رَبِّهَا فَقُلْتُ لَهَا كَمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهَا مِنْ أَبٍ فَقَالَتْ تَلْتَقِي فِي أَرْبَعِينَ أَبًا. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۵۵/۱).

۵. حقوق خویشاوندان

اهمیت برادران مومن در نزد امام رضا علیه السلام به اندازه ای است که حقوق ویژه ای برای آنها برشمرده شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۳۲/۷۱ و ۲۷۳) و حتی می فرماید: اغْلَمَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ أَنَّ حَقَّ الْإِخْوَانِ فَرَضٌ لَأَزِمٌ أَنْ تَقْدُوهُمْ بِأَنْفُسِكُمْ وَ أَسْمَاعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ وَ أَرْجُلِكُمْ وَ جَمِيعِ جَوَارِحِكُمْ وَ هُمْ حُصُونُكُمْ الَّتِي تَلْجَأُونَ إِلَيْهَا فِي الشَّدَائِدِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ لَأَتَبَاتُوهُمْ وَ لَا تُخَالِفُوهُمْ وَ لَا تَغْتَابُوهُمْ وَ لَا تَدْعُوا نُصْرَتَهُمْ وَ لَا مَعَاوَنَتَهُمْ وَ ابْدَلُوا النُّفُوسَ وَ الْأَمْوَالَ ذُنُوبَهُمْ وَ الْإِقْبَالَ عَلَى

اللَّهُ جَلٌّ وَعَزٌّ بِالذُّعَاءِ لَهُمْ وَ مُوَسَّاتِهِمْ وَ مُسَاوَاتِهِمْ فِي كُلِّ مَا يَجُورُ فِيهِ الْمُسَاوَاةُ وَالْمُؤَاَسَاءُ وَ نُصْرَتَهُمْ ظَالِمِينَ وَ مَظْلُومِينَ بِالذُّعَاءِ عَنْهُمْ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۲۶/۷۱ و ۲۲۷) حق برادران واجب و فرض است و باید جان و گوش و دیده و دست و پای و همه اندام خود را فدای آنها کنید، آنان دژهای شمایند که در سختیهای دنیا و آخرت بآنها پناه برید، بر آنها فخر نفرشید و از آنها دور نشوید، و با آنها مخالفت نکنید و غیبت آنها را نکنید و یاری و کمک بآنها را وانهدید و جان و مال خود را برای آنها دریغ نکنید، و برای دعاء بآنها رو بدرگاه خدا عز و جل آورید، و با آنها همراهی و برابری کنید در آنچه رواست، و یاریشان کنید (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱/۱۴۵).

این موارد را می توان از جمله حقوق کلی برادران بر همدیگر دانست ولی آنچه در مورد خویشاوندان بیشتر مورد تاکید امام رضا علیه السلام است مربوط به حسن خلق با بستگان است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می فرمایند: أَقْرَبُكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۶۷) نزدیک ترین شما به من در روز قیامت، خوش خوی ترین و مهربان ترین آنها نسبت به خانواده اش می باشد. و من مهربان ترین شما به خانواده ام می باشم.

در روایت دیگری نیز عبارت مشابهی را نقل می کند: وَ يَأْسَدُهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا- وَ أَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا أَلْطَفُكُمْ بِأَهْلِي (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۶۷) بهترین مردم از نظر ایمان، خوش خوی ترین و مهربان ترین آنها نسبت به خانواده اش می باشد. و من مهربان ترین شما به خانواده ام هستم.

امام دفاع از خویشاوندان را تا سر حد مرگ جایز می داند، در این زمینه در روایتی آمده است: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ الرَّضَّاعِ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي السَّفَرِ وَ مَعَهُ جَارِيَةٌ لَهُ فَيَجِيءُ قَوْمٌ يُرِيدُونَ أَخْذَ جَارِيَتِهِ أَوْ يَمْنَعُ جَارِيَتَهُ مِنْ أَنْ تُؤْخَذَ وَ إِنْ خَافَ عَلَى نَفْسِهِ الْقَتْلَ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ كَذَلِكَ إِنْ كَانَتْ مَعَهُ امْرَأَةٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ كَذَلِكَ الْأُمُّ وَ ابْنَةُ الْعَمِّ وَ الْقَرَابَةُ يَمْنَعُهُنَّ وَ إِنْ خَافَ عَلَى نَفْسِهِ الْقَتْلَ قَالَ نَعَمْ [قُلْتُ] وَ كَذَلِكَ الْمَالُ يُرِيدُونَ أَخْذَهُ فِي سَفَرٍ فَيَمْنَعُهُ وَ إِنْ خَافَ الْقَتْلَ قَالَ نَعَمْ. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵/۵۲ و ۵۳)؛ محمد بن خالد از شخصی روایت می کند که از حضرت رضا علیه السلام سوال کردم در باره مردی که مسافرت می کند و یک کنیزی نیز با خود همراه دارد گروهی به او حمله میکنند و می خواهند با زور کنیز جوان را از او بگیرند که آیا می تواند با آنها مبارزه کند و نگذارد آن زن جوان را از او بگیرند در صورتی که میدانند اگر مقاومت کند کشته خواهد شد و دزدان از او دست نخواهند کشید؟ فرمود: آری باید مقاومت کند. گفتم: اگر زنی همراه داشته باشد باز هم باید مقاومت نماید؟ فرمود: آری، گفتم اگر مادر و یا دختر و یا دختر عمو و یا زنی از خویشاوندان باشد باز هم لازم است از آنها دفاع کند و اگر چه در این مبارزه و دفاع کشته شود؟ فرمود: آری، گفتم: اگر مالی داشته باشد و بخواهند مال او را از دستش بگیرند باز هم تا سر حد مرگ میتواند از مالش دفاع کند؟ فرمود: آری. (عطاردی، ۱۳۹۷ق: ۷۴۷ و ۷۴۸)

در اندیشه رضوی برخی خویشاوندان حقوق مختص به خود نیز دارند از جمله والدین و فرزندان یا حقوق مربوط به مسائل اقتصادی بستگان که لازم است آنها تبیین گردند:

۵. ۱. صله ارحام

مهم ترین حقی که خویشان بر انسان دارد صله ارحام است؛ ولید بن ابان می گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم که آیا بر عهده شخص در مال خود جز زکات چیزی هست؟ فرمود: «آری، در آنجا که خدا فرموده است: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ...» روى الوليد بن أبان عن أبي الحسن الرضا ع قال قلت له هل على الرجل في ماله سوى الزكاة قال نعم أين ما قال الله «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ... (رعد: ۲۱) (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۴۴۴)

همچنین امام رضا علیه السلام کمترین میزان صله رحم حداقل به جرعه نوشیدنی از آب می داند و حتی برتر از نوشاندن آب نیز بهترین صله رحم را آزار ندادن آنها می شمارد: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا ع قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع صِلْ رَحِمَكَ وَكُلَّ بَشَرِيَّةٍ مِنْ مَاءٍ وَأَفْضَلُ مَا تُوَصَّلُ بِهِ الرَّحِمُ كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۱/۲؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۴۵).

همچنین روایت شده است که برای نیکی به والدین دو سال طی مسیر کردن ارزش دارد و در باره سایر خویشاوندان یک سال فرصت برای رفت و آمد ارزش دارد: سِرِّ سَنَتَيْنِ بَرِّ وَالِدَيْكَ سِرِّ سَنَةِ صِلِ رَحِمَكَ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۷/۷۱).

۵. ۲. نیکی به والدین

اسلام ارزش زیادی برای والدین قائل شده است و در آیات متعددی از قرآن برای احترام به آنها سفارش شده است (البقرة: ۸۳، الأنعام: ۱۵۱، توبه ۲۳ و ۲۴، الإسراء: ۲۵-۲۳، مریم: ۱۴، مریم: ۳۲، العنكبوت: ۸، لقمان: ۱۴ و ۱۵، الأحقاف: ۱۵)؛ امام رضا علیه السلام نیز در سفارش های متعددی پیروان خود را به این امر راهنمایی کرده است: گاهی از قول پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که حتی نگاه به چهره والدین عبادت است: النَّظْرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٌ- النَّظْرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَ فِي الْمُصْحَفِ وَ... (علی بن موسی، ۱۴۰۶: ۹۰) و گاهی در تفسیر آیه وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (اسراء: ۲۳) کمترین میزان بی احترامی به والدین را گفتن کلمه «اف» می داند: : أذْنَى الْعُقُوقِ أَفٌّ وَ كَوَ عِلْمِ اللَّهِ تَعَالَى شَيْئًا أَهْوَنَ مِنْ أَفٍّ لَنْهَى عَنْهُ (علی بن موسی، ۱۴۰۶: ۸۲).

امام در پاسخ به سوال کسی که در باره نیکی به والدینی سوال می کند که بر مذهب حق نیستند می فرماید: ادْعُ لَهُمَا وَ تَصَدَّقْ عَنْهُمَا وَ إِنْ كَانَا حَيِّينِ لَأَعْرِفَانَ الْحَقَّ فَلَدَارِهِمَا (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۹/۲): برایشان دعا کن و از آنها صدقه بده و اگر زنده اند و عارف بحق نیستند با آنها مدارا کن.

در کتاب فقه الرضا نیز درباره نیکی به پدر چنین دستور می دهد: عَلَيْكَ بِطَاعَةِ الْأَبِ وَ بِرِّهِ وَ التَّوَاضُعِ وَ الْخُضُوعِ وَ الْإِعْظَامِ وَ الْإِكْرَامِ لَهُ وَ خَفْضِ الصَّوْتِ بِحَضْرَتِهِ فَإِنَّ الْأَبَ أَصْلُ الْوَالِدَيْنِ وَ الْوَالِدَيْنِ فَرْعُهُ لَوْلَا لَمْ يَكُنْ يُقَدَّرُ اللَّهُ ابْدُلُوا لَهُمُ الْأَمْوَالَ وَ الْجَاهَ وَ النَّفْسَ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۶/۷۱ و ۷۷)؛ تو باد فرمان بری از پدر و نیکی به او، و تواضع و خشوع و احترام او، و فرود آواز در حضور او، زیرا پدر اصل پسر است و پسر فرع او، اگر او نبود خدا پسر را مقدر نمی کرد، در راه آنان مال و جاه و جان را فدا کنید. (مجلسی، ۱۳۶۴: ۴۹/۱)

۵.۳. توجه به تربیت فراگیر فرزندان

والدین به طور معمول اولین کسانی هستند که فرزند در ابتدای زندگی با آنها روبرو می شود و می توان آنها را پناه کودکان محسوب کرد لذا سفارش های ویژه ای نسبت به فرزندان در اندیشه رضوی دیده می شود؛ حتی امام اهمیت والدین را تا جایی می داند که می فرمایند: به فرزندان نیک و احسان کنید، زیرا آنها گمان می کنند شما روزیشان می دهید؛ بَرُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّهُمْ يَظُنُّونَ أَنَّكُمْ تَرْتَفُونَهُمْ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۱/۷۷)

در احادیث رضوی نیکي به فرزندان مصادیق متعددی دارد از جمله:

الف: نامگذاری به نام نیک؛ امام در این زمینه به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: هر گاه فرزندی را محمّد نام گذارید، او را گرامی بدارید و در انجمن ها به او گشادگی و وسعت مکان دهید، و نسبت به او روی ترش نکنید: إِذَا سَمَّيْتُمُ الْوَلَدَ مُحَمَّدًا فَأَكْرَمُوهُ - وَأَوْسِعُوا لَهُ فِي الْمَجَالِسِ وَلَا تُقَبِّحُوا لَهُ وَجْهًا (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۴۴)

ب: اذان گفتن در موقع تولد: امام در این مساله به سیره عملی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می کند که در موقع تولد امام حسن مجتبی علیه السلام در گوش او اذان گفت: **إِنَّ النَّبِيَّ صَ أَدَّنَ فِي أُذُنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالصَّلَاةِ يَوْمَ وُلِدَ** (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۸۹)

ج: ختنه کردن؛ که به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از به ختنه کردن در روز هفتم تولد تاکید می کند: **اخْتِنُوا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ فَإِنَّهُ أَطْهَرُ وَأَسْرَعُ نَبَاتًا لِلْحَمِّ** (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۴۱)

د: استفاده از شیر مادر؛ امام به والدین سفارش می کند که در باره فرزندان از شیر مادر استفاده کنند که بهترین غذا برای فرزند است: **لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ** (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۵۰)، همچنین توصیه می کند که از گرفتن دایه های نادان و ضعیف چشم برای شیر دادن به نوزاد استفاده نشود چرا که شیر در (اندیشه و رفتار کودک) تاثیر گذار است: **لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ وَلَا الْعَمَشَاءَ فَإِنَّ اللَّبَنَ يُعْدِي** (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۵۰)

البته توجه به کودکان نباید باعث بی توجهی به والدین و سایر خویشاوندان گردد؛ لذا امام در باره نیکي به والدین در کنار نیکي به فرزندان نیز تاکید کرده است: **إِنَّمَا سُمُّوا الْأَبْرَارَ لِأَنَّهُمْ بَرُّوا الْأَبَاءَ وَالْأَبْنََاءَ** (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۷۰/۲)؛ همچنین به مردی فرمود: پدر و مادرت زنده هستند؟ گفت: نه، فرمود: فرزند داری؟ گفت: آری، فرمود: به فرزندت نیکي کن که در حساب نیکي به والدینت باشد؛ **أَنْتَ قَالَ لِرَجُلٍ أَلَيْكَ وَالِدَانِ فَقَالَ لَا فَقَالَ أَلَيْكَ وَكَذَلِكَ قَالَ نَعَمْ قَالَ لَهُ بَرٌّ وَكَذَلِكَ يُحَسَّبُ لَكَ بَرٌّ وَالِدَيْكَ**. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۱/۷۷)

سیره عملی امام رضا علیه السلام نیز بیانگر نهایت توجه به فرزند است به طوری که حتی امام جواد علیه السلام را نام صدا نمی کند بلکه با کنیه می خواند که ادب بیشتر را می رساند: **أما سلوکه مع ابنائہ فقد تميز بأروع الوان التریبہ الاسلامیہ خصوصاً مع ولده الامام الجواد علیه السلام، فکان لا یذکره باسمه، و انما کان یکنیه، یقول: کتب إلیّ جعفر، کنت کتبت إلیّ أبی جعفر کل ذلک لتنمیة روح العزّة و الکرامه فی نفسه.** (شریف قرشی، ۱۳۸۰: ۲۹/۱)

۵. ۴. سایر خویشاوندان

نیکی به خویشاوندانی غیر از والدین و فرزندان در احادیث رضوی گاهی نمود پیدا کرده است که اغلب در مورد برادران و خواهران می باشد؛ هر چند امام به صورت کلی به نیکی به برادران مومن و چشم پوشی از آنها تاکید کرده است (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۲) نگاهی کلی به رفتار امام با خواهرش حضرت معصومه علیها السلام بیانگر آن است که بارها از خواهرش حضرت فاطمه معصومه به نیکویی یاد کرده است؛ امام رضا علیه السلام که در خراسان بود، به خواهرش سیده طاهره فاطمه معروف به «معصومه» نوشت که به او ملحق شود زیرا فاطمه سخت مورد توجه حضرت بود و زیاد او را دوست می داشت. وقتی نامه به دست فاطمه رسید آماده سفر شد و به سوی امام به راه افتاد. وقتی به ساوه رسید مریض شد. پس دستور داد او را به قم که در ده فرسخی ساوه قرار داشت ببرند و وقتی به قم رسید، در منزل موسی بن خزرج فرود آمد هفده روز در آنجا ماند، سپس بدرود حیات گفت (شریف قرشی، ۱۳۸۰: ۲/۵۵۰ و ۵۵۱)؛ این مساله زمانی اهمیت دارد که بدانیم امام به هیچ یک از خویشاوندانش اجازه نداد تا در سفر خراسان وی را همراهی کنند و فقط از همین خواهر خود درخواست می کند تا به خراسان بیاید؛ البته پس از اینکه خبر رحلت حضرت معصومه علیها السلام به قم رسید حق تکریم را به نهایت رسانده و فرمود: هر کس او را زیارت نماید برایش بهشت است: عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ زِيَارَةِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/۲۶۷)

همچنین برادرش زید را مورد نکوهش قرار می دهد که به بهانه قیام برخی اصول اسلام را نادیده گرفته بود از جمله اموال دیگران را به ناحق تصرف کرده بود. زید به شورش که ابو السرایا با داعیه محمد بن ابراهیم حسنی برپا کرده بود پیوست و از جانب ابو السرایا حاکم ولایت اهواز شد و به سوی اهواز رهسپار گردید. چون به بصره رسید که در دست حاکم عباسی بود، خانه های بنی عباس را آتش زد و از این جهت به «زید النار» معروف و ملقب شد. چون شورش ابو السرایا متوقف گردید زید پنهان شد، پس حسن بن سهل او را تعقیب نمود و بر او ظفر یافت و او را زندانی کرد و همچنان در زندان بود تا ابراهیم بن مهدی رئیس آوازه خوانها معروف به «ابن شکله» پیروز شد. پس بغدادیان به زندان هجوم بردند و زید را آزاد کردند و او به مدینه رفت و مردم را به بیعت با محمد بن جعفر فرا خواند. مأمون لشکری فرستاد و شورش را سرکوب کرد و زید اسیر شد. وی را به نزد مأمون فرستادند، مأمون به او گفت: ای زید، در بصره خروج می کنی و به جای اینکه از خانه های دشمنانمان از بنی امیه، ثقیف، غنی، باهله و آل زیاد آغاز کنی، از خانه های پسر عموهایت - یعنی بنی عباس - شروع می نمایی و آنها را به آتش می کشی؟ زید به شوخی گفت: ای امیر المؤمنین، اشتباه کردم از هر جهت. اگر باز گردم، این بار به آنها می پردازم. مأمون خندید و او را به نزد امام رضا علیه السلام فرستاد و به حضرت گفت: من جرم او را به تو بخشیدم، خوب ادبش کن. زید را به نزد امام آوردند، امام به او فرمود: وای بر تو ای زید! تو با مسلمانان بصره کردی آنچه کردی در حالی که ادعا می کنی فرزند فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله هستی. به خدا، پیامبر خدا سخت تر از همه مردم نسبت به تو خواهد بود. چون کلام امام به مأمون رسید، گریست و گفت: این سزاوار است که اهل بیت رسول خدا (ص) باشد. (فضل الله، ۱۳۸۲: ۱۷۶؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/۲۳۴)

۵. ۵. حقوق اقتصادی خویشاوندان

محسوس ترین چیزی که در ارتباط خویشاوندان به ذهن عموم مردم خطور می کند مسائل مالی و اقتصادی آنهاست، شاید به همین جهت باشد که در آیات متعددی نسبت به اطعام ایتم خویشاوند تاکید شده است: فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكُلْ رَقَبَهُ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ. (بلد: ۱۱-۱۵). همچنین برخی از خویشاوندان نسبت به بعضی دیگر در کتاب خدا اولویت دارند: وَأَوْلُوا الْأَرْحَامَ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ (انفال: ۷۵) این جمله راجع به ولایت ارث است که خداوند آن را در میان ارحام و خویشاوندان تشریح می کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹/ ۱۹۰)

امام رضا علیه السلام به عنوان مفسر واقعی آیات قرآن برخی اشارات در زمینه مسائل اقتصادی خویشاوندان را مطرح کرده است، گاهی تاکید کرده است که نفقه نیکویی بدهید تا بر شما نیکی شود: مَنْ يُحْسِنِ النَّفَقَةَ فَلَهُ حَسَنَةٌ (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۵۰) و گاهی تاکید می کند کسی که نعمت دارد باید که بر عیالش در هزینه وسعت بخشد: صَاحِبُ النَّعْمَةِ يَجِبُ أَنْ يُوسِّعَ عَلَىٰ عِيَالِهِ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۴۲). حضرت گاهی وارد مصادیق شده و می فرمایند: از سنت نبوی اطعام دادن در موقع ازدواج است: مِنَ السُّنَّةِ إِطْعَامُ الطَّعَامِ عِنْدَ التَّزْوِيجِ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۴۵) و البته کسی که درباره حقوق اقتصادی خویشاوندان کوتاهی می کند در اندیشه امام به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است از جمله در باره کسی که مهریه زنش را به تاخیر می اندازد می فرماید: خدای متعال همه گناهان را می آمرزد، مگر کسی را که مهریه زن را به تأخیر افکند، یا مزد کارگری را پامال کند و یا انسان آزادی را بفروشد: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ غَافِرٌ كُلِّ ذَنْبٍ إِلَّا مَنْ أَخْرَجَ مَهْرًا أَوْ اغْتَصَبَ أَجِيرًا أَوْ بَاعَ رَجُلًا حُرًّا (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۶۴).

نکته مهم در باره حقوق خویشاوندان آن است که در اسلام، دین بر هر چیزی مقدم است و قرآن تاکید می کند که نباید خویشاوندان بر اسلام مقدم شوند، لذا می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید [زنهار] اموال شما و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نگردانند و هر کس چنین کند آنان خود زیانکارانند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (منافقون: ۹) بر این اساس نباید منافع فردی را بر منافع دین اسلام ترجیح داد؛ لذا گاهی لازم است بنا به مصالحی برخی حقوق اساسی خویشاوندان برای رسیدن به اهداف عالی تر نادیده گرفته شود، از جمله در سیره عملی امام رضا علیه السلام ملاحظه می شود که وقتی امام علیه السلام می خواست به خراسان برود، هیچ کدام از افراد خانواده اش را به همراه نبرد و این به دلیل آن بود بر این که این مسافرت از نظر آن حضرت، هیچ آینده روشنی نداشته و سفری از روی امید نبوده است. از حسن بن علی و شاء نقل شده که امام به من فرمود: اِنِّي حَيْثُ ارَادُوا الْخُرُوجَ بِي مِنَ الْمَدِينَةِ جَمَعْتُ عِيَالِي فَأَمَرْتَهُمْ أَنْ يَبْكُوا عَلَيَّ حَتَّىٰ أَسْمَعَ، ثُمَّ فَرَّقْتُ فِيهِمْ اثْنِي عَشَرَ أَلْفَ دِينَارٍ قُلْتُ: أَمَا إِنِّي لَا أُرْجِعُ إِلَيْكَ أَبَدًا (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/ ۲۱۸) موقعی که می خواستند مرا از مدینه بیرون ببرند، افراد خانواده ام را جمع کرده و دستور دادم برای من گریه کنند تا گریه آنها را بشنوم. سپس در میان آنها دوازده هزار دینار تقسیم کرده و گفتم من دیگر به سوی شما باز نخواهم گشت. چنین برخوردی بی تردید می توانست کسانی را که درک درستی داشتند، به ویژه شیعیان را که در ارتباط مستقیم با امام بودند متوجه سازد که امام به اجبار این مسافرت را پذیرفته است. به طوری که آن حضرت بعدها این مسأله را برای یاران نزدیک خود بیان فرموده است. از جمله از عبد السلام هروی نقل شده: و الله ما دخل الرضا عليه السلام في هذا الأمر طائعا؛

قسم به خدا امام رضا علیه السلام به میل خود در این امر وارد نشد. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۴۱/۲). دلیل این اقدام امام این بود که مأمون برای تحکیم موقعیت خود و خلافت عباسی، دست به اقدام مصلحت‌اندیشانه زد و امام را به عنوان ولیعهد خود انتخاب نمود؛ (فضل الله، ۱۳۸۲: ۱۰۸) هر چند تعدادی از بزرگان بنی عباس با این اقدام مخالف بودند، ولی بالاخره مأمون نقشه ولایت عهدی را اجرا نمود و فتنه بزرگی ایجاد کرد که گاهی مورد اعتراض طرفداران امام نیز قرار می گرفت (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۳۹/۲) در این فتنه امام از هر کس به مأمون آگاه تر و به مقاصد او بیاتر بود لذا در مقابل این فتنه تا جایی که می توانست مقاومت کرد و یکی از این طریق ها این بود که هیچ یک از اعضای خانواده خود را همراهش نبرد.

۶. معرفی خویشاوندان نمونه و تبیین جایگاه اهل بیت علیهم السلام

امام از هر فرصتی برای تبیین جایگاه صحیح اهل بیت علیهم السلام به عنوان جانشینان واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ارتباط خویشاوندی آنها تاکید می کند و در واقع ضمن معرفی جایگاه ائمه، خاندان نمونه ای را نیز معرفی می کند تا مردم در ارتباط های خویشاوندی از آنها الگو گرفته و به آنها تاسی جویند، شاید این تاکیدها را بتوان قسمتی از تفسیر روایت نبوی **أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبُوَاهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ** (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۸۵/۲) دانست. از جمله تلاش های امام را می توان در تفسیر و تبیین مصادیق آیات زیر بر شمرد:

۶. ۱. **تفسیر آیه خمس (تعیین موارد مصرف)**؛ وقتی از امام در باره موارد مصرف خمس در آیه **وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ (انفال: ۴۱)** سوال می کنند که خمسی که به خدا می رسد (فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ) به چه کسی می رسد امام در پاسخ می فرمایند: به رسول خدا می رسد و آنچه به رسول می رسد بر امام می رسد؛ هو لرسول الله (صلی الله علیه و آله)، و ما كان لرسول الله فهو للإمام. (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۶۹۰/۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳۴۴/۵).

۶. ۲. **تفسیر آیه مودت خویشان**: امام در مجلس مأمون در حدیثی طولانی ضمن بر شمردن آیات مربوط به اصطفاء پیامبر، به آیه مودت خویشاوندان و ذی القربای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می کند که این آیه مختص محمد و آل محمد علیهم السلام است و کس دیگری در آن شریک نیست: و السادسة: قوله عز وجل: **قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ (شوری: ۲۳)** و هذه خصوصیه للنبي صلی الله علیه و آله إلى يوم القيامة، و خصوصیه للال دون غیرهم (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۸۱۸/۴).

۶. ۳. **معرفی عترت پیامبر علیهم السلام**؛ در جلسه ای مأمون از حضرت پرسید عترت پیامبر چه کسانی هستند؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: کسانی هستند که خداوند توصیف آنها را در کتاب خود با آیه تطهیر بیان کرده و فرموده است: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (احزاب: ۳۳)**، همان کسانی که رسول خدا در باره آنها فرمود من دو چیز گرانبها در بین شما به یادگار می گذارم: کتاب خدا و عترت اهل بیتم که این دو تا روز قیامت از همدیگر جدا نمی شوند، آنها از شما مردم برتر و عالم تر هستند: **الذین وصفهم الله فی کتابه فقال: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** و هم الذین قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم **إني مخلف فيكم الثقلين كتاب الله**

و عترتی اهل بیتی، و اینها لن یفترقا حتی یردا علی الحوض و انظروا کیف تخلفونی فیهما آیاها الناس لا تعلموهم فإنهم أعلم منکم. (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۵۲۳؛ طبری آملی، ۱۳۸۳ق: ۲/۲۲۸).

۶. ۴. تفسیر آیه اعطاء فدک؛ از امام رضا علیه السلام نقل شده است که وقتی آیه وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ (اسراء: ۲۶) نازل شده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را فراخواند و فرمود: این فدک مختص من است و مسلمانان در آن حقی ندارند و با امر خدا آن را به تو می بخشم، آن را بگیر که مال تو و فرزندان توست: فلما نزلت هذه الآية علی رسول الله (صلی الله علیه و آله) قال: ادعوا لی فاطمة فدعیت له، فقال: یا فاطمة. قالت: لیبیک یا رسول الله. فقال (صلی الله علیه و آله): هذه فدک و هی مما لم یوجف علیه بخیل و لا رکاب، و هی لی خاصة دون المسلمین، و قد جعلتها لک لما أمرنی الله تعالی به، فخذیها لک و لولدک (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۳/۵۲۱).

۶. ۵. معرفی ائمه علیهم السلام در مباحث فقهی ارث؛ از امام رضا علیه السلام سوال شد مراد از «الَّذینَ عَقَدَتْ اَیْمَانُکُمْ» در آیه وَ لِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِیَ مِمَّا تَرَکَ الْوَالِدَانِ وَ الْاَقْرَبُونَ وَ الَّذینَ عَقَدَتْ اَیْمَانُکُمْ چه کسانی هستند؟ امام در پاسخ فرمودند: اِنَّمَا عَنَى بِذَکَ الْاَئِمَّةِ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ بِهِمْ عَقَدَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ اَیْمَانُکُمْ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/۲۱۶)، علامه مجلسی در تفسیر این جمله می نویسد: آنچه در این خبر بیان کرده است که مقصود از الَّذینَ عَقَدَتْ اَیْمَانُکُمْ ائمه علیهم السلام هستند که وقتی وارثی نباشد ترکه میت به آنها تعلق دارد می فرماید: به وسیله ائمه خدا عهد شما را بسته است، یعنی عهد ایمان شما را محکم ساخته، عقد عهد سختی و محکم کردن آن است یعنی به سبب ولایت ائمه و اقرار به امامت آنها خدا عهد و پیمان ایمان شما را در عالم میثاق و در دنیا محکم کرده است و این بیان حاصل معنی است و آیه این طور می شود که بسته شده پیمانهای شما به ولایت ائمه یا اینکه بسته شده با بیعت ائمه، چون که ایمان جمع یمین است و یمین به معنی پیمان و قسم آمده و به معنی دست هم آمده و به هر دو معنی آیه تفسیر شده است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲/۴۴۴؛ کلینی، ۱۳۷۵: ۲/۷۴۴ و ۷۴۵).

۶. ۶. معرفی مصداقی از ارحام که باید حرمت آنها را نگه داشت؛ با توجه به آیه وَ اتَّقُوا اللهَ الَّذِی تَسْأَلُونَ بِهِ وَ الْاَرْحَامَ (نساء: ۱) مسلمانان از ارحام و خویشاوندان خود در روز قیامت مورد سوال و بازخواست واقع می شوند تا باید حرمت ارحام خود را نگهدارند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۱۸/۴) امام رضا علیه السلام مصداقی از ارحام را معرفی کرد و اهل بیت علیهم السلام را جزء خویشاوندانی معرفی می کند که باید حرمت آنها را نگهداشت، امام در این زمینه می فرماید: رحم آل محمد که امامند به عرش آویخته و می گوید: بار خدایا صلّه کن با هر که به من صلّه کند و ببر از هر که از من ببرد، سپس این وضعیت بعد از آن در رحم و خویشی با مؤمنان هم جاری است سپس این آیه را خواند وَ اتَّقُوا اللهَ الَّذِی تَسْأَلُونَ بِهِ وَ الْاَرْحَامَ (نساء: ۱)؛ اِنَّ رَحِمَ آلِ مُحَمَّدٍ الْاَئِمَّةُ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ لَمُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ تَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ مِنْ وَصَلْتَنِي وَ اِقْطَعْ مِنْ قَطَعْتَنِي ثُمَّ هِيَ جَارِيَةٌ بَعْدَهَا فِي اَرْحَامِ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآیَةَ وَ اتَّقُوا اللهَ الَّذِی تَسْأَلُونَ بِهِ وَ الْاَرْحَامَ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/۱۵۶)

ابن فضال نیز روایت کرده است که از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: هر کس به کسی که از ما بریده است بیوندد، یا با کسی که به ما پیوسته است، قطع رابطه نماید، یا مدح و ستایش از کسی کند که بر ما عیب می گیرد، یا گرامی بدارد کسی را که با ما مخالف است، از ما نیست و ما هم از او نیستیم (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۳۲)؛ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ قَالَ

سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ وَاصَلَ لَنَا قَاطِعاً أَوْ قَطَعَ لَنَا وَاصِلاً أَوْ مَدَحَ لَنَا عَائِباً أَوْ أَكْرَمَ لَنَا مُخَالَفاً فَلَيْسَ مِنَّا وَكَسْنَا مِنْهُ.
(ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۷).

در باره دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا روایت های دیگری نیز از امام رضا علیه السلام ذکر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۲ / ۳۹۱)

۶. ۷. استدلالی فقهی برای معرفی اهل بیت پیامبر علیهم السلام، در یکی از مجالس مامون، امام از استدلالی برای معرفی ارتباط خویشاوندی خود با پیامبر بهره گرفته است که بی نظیر بوده باعث بهت همگان است؛ امام در این جلسه که تعدادی از اهل عراق حضور داشتند می فرماید: اگر پیامبر زنده بود و می خواست با دختر یکی از شما ازدواج کند آیا می پذیرفتید؟ گفتند: آری. حضرت فرمود: ولی پیامبر نمی تواند با دختر من یا یکی از دختران نسل من ازدواج کند زیرا در آیه قرآن می فرماید: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ (نساء: ۲۳) یعنی نمی توانید با دختران خود ازدواج کنید. این مساله بیان می کند که ما از اهل بیت پیامبر هستیم و شما از آل او نیستید و فقط امت او می باشید؛ عن الریان بن الصلت، قال: حضر الرضا علیه السلام مجلس المأمون بمرو، و قد اجتمع إليه فی مجلسه جماعة من أهل العراق، و ذکر الحدیث بطوله، إلى أن قال فیہ الرضا علیه السلام: «فیقول الله عز و جل فی آیه التحريم: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ إلى آخرها فأخبرونی هل تصلح ابنتی أو ابنة ابنتی و ما تناسل من صلیبی لرسول الله (صلی الله علیه و آله) أن یتزوجها لو كان حیا؟ قالوا: لا. قال: «فأخبرونی هل كانت ابنة أحدکم تصلح له أن یتزوجها لو كان حیا؟ قالوا: نعم. قال: «ففی هذا بیان أننا من آله و لستم من آله، و إلا لحرمت علیه بناتکم كما حرمت علیه بناتی، لأننا من آله و أنتم من أمته» (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۲ / ۵۰)

۶. ۸. معرفی خانواده الگو؛ امام رضا علیه السلام به نقل از امیر مومنان به معرفی خانواده موفق و نمونه ای پرداخته که در کارها همدل و همراه همدیگرند: پدرم علی بن ابی طالب فرموده: در حفر خندق با فرستاده خدا صلی الله علیه و آله و سلم همراه بودیم، در این هنگام فاطمه علیها السلام آمد و همراه او پاره نانی بود، آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داد. پیامبر فرمود: این پاره نان چیست؟ فاطمه علیها السلام عرض کرد: گردهی نانی برای حسن و حسین علیهما السلام پختم، بخشی از آن را برای شما آوردم. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این اولین غذائی است که پس از سه روز به دهان پدرت رسیده است؛ وَ یَسْنَادِهِ قَالَ عَلِيُّ كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم فِي حَفْرِ الْخَنْدَقِ إِذْ جَاءَتْ فَاطِمَةُ وَ مَعَهَا كِسْرَةٌ «۶» مِنْ خُبْزٍ فَدَفَعَتْهَا إِلَيَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم مَا هَذِهِ الْكِسْرَةُ قَالَتْ قُرْصاً خَبَزْتُهُ لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ جِئْتُكَ مِنْهُ (علی بن موسی، ۱۴۰۶ق: ۷۱).

۷. نتیجه

با توجه به شرایط خاص عصر زندگانی امام رضا علیه السلام بررسی روابط خویشاوندان اهمیت ویژه ای پیدا می کند و به طور متقابل بررسی احادیث رضوی مربوط به روابط خویشاوندان به شناخت و آشنایی بیشتر فضای فرهنگی و اجتماعی عصر آن امام کمک می کند.

خویشاوند به کسی گفته می شود که به واسطه نسبت یا از طرف پدر یا مادر و جز آن به شخص نزدیک باشد که شامل پدر و مادر، فرزندان، برادران و خواهران و سایر بستگان از قبیل عموها، عمه ها، دایی ها، خاله ها و... می باشد و خویشاوندان در عرف قرآن و اهل بیت علیهم السلام با واژه هایی همچون رحم (جمع ارحام)، اقرباء، نسب، صهر، عشیره، اهل، آل، رهط، عترت و... به کار رفته است.

در نظر امام رضا علیه السلام ارتباط با خویشاوندان (برای خود فرد یا سایر بستگان) ثمراتی دارد از جمله: زیاد شدن ایمان، زیاد شدن اموال، طول عمر، جلب محبت خانواده، دوستی خدا و بهشت.

قطع ارتباط با خویشان در اندیشه رضوی پیامدهای مختلفی دارد که می توان مهم ترین آنها را چنین عنوان نمود: بی تقوایی، از دست دادن توفیق طاعت پروردگار، شکایت در پیشگاه پروردگار و کسب مالِ نکوهش شده.

حسن خلق با خویشاوندان از جمله مهم ترین حقوق بستگان بر انسان است، همچنین بر حق صلح ارحام هر چند بسیار مختصر تاکید شده و در مورد برخی از خویشاوندان حقوق مخصوصی بر عهده انسان نهاده شده است؛ نیکی به والدین، توجه به تربیت فرزندان و توجه به نیازهای اقتصادی خویشاوندان. البته اگر این حقوق با مصالح کلی اسلام در تناقض باشد باید مصالح کلی اسلام را در نظر گرفت، همانگونه که امام خویشان خود را در مدینه تنها گذاشت و به تنهایی به مرو رفت تا جلوی فتنه ولیعهدی مأمون بایستد.

امام رضا علیه السلام از هر فرصتی برای معرفی جایگاه اصیل اهل بیت علیهم السلام به عنوان خویشاوندان نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استفاده کرده و اهل بیت عترت علیهم السلام را به عنوان خانواده الگو در سبک زندگی اسلامی معرفی کرده است.

والحمد لله رب العالمین

۸. کتابنامه

– قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، صفات الشيعة، تهران: اعلمی، چاپ اول.
- (۱۳۷۶)، الأمالی، تهران: کتابچی، چاپ ششم.
- (۱۳۷۸)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: جهان، چاپ اول، ۲ج.
- (۱۳۸۰)، صفات الشيعة، ترجمه امیر توحیدی، تهران: زراره، چاپ سوم.
- (۱۳۷۲)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمید رضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، چاپ اول، ۲ج
- ابن جوزی، سبط (۱۴۱۸ق)، تذکره الخواص، قم: منشورات شریف الرضی، چاپ اول.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۵ج.
- بحرانی، هاشم (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول، ۵ج.
- جزائری، نعمت الله بن عبد الله (۱۴۲۷ق)، ریاض الابراز فی مناقب الائمة الاطهار، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، چاپ اول، ۳ج.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۱)، حیات فکری و سیاسی ائمه علیهم السلام، قم: انصاریان، چاپ ششم.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشيعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۰ج. ۳
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، قرب الإسناد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۶ج.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق/بیروت: دارالعلم/دارالشامیه، چاپ اول.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۴ج.
- شریف قرشی، باقر (۱۳۸۰)، حیاة الامام الرضا علیه السلام، قم: سعید بن جبیر، چاپ دوم، ۲ج.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۲۰ج.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۰ج.

- طبری آملی، محمد بن أبی القاسم (۱۳۸۳ق)، **بشارة المصطفى لشعبة المرتضى** (ط - القديمة)، نجف: المكتبة الحيدرية، چاپ دوم: ۲ج.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، **مجمع البحرين**، تحقیق: احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۶ج.
- عطاردی، عزیز الله (۱۳۹۷ق)، **اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام** (ترجمه مسند الامام الرضا علیه السلام)، تهران: کتابخانه صدر، چاپ اول.
- (۱۴۰۶ق)، **مسند الامام الرضا ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام**، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۲ج.
- علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام (۱۴۰۶ق)، **صحيفة الإمام الرضا علیه السلام**، تحقیق محمد مهدی نجف، مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، چاپ اول.
- غفاری، علی اکبر (۱۳۶۹)، **دراسات في علم الدراية**، تهران: جامعه الامام الصادق علیه السلام، چاپ اول
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، **کتاب العین**، قم: هجرت، چاپ دوم، ۹ج.
- فضل الله، محمد جواد (۱۳۸۲)، **تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام**، ترجمه محمد صادق عارف، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ هفتم.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، **قاموس قرآن**، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ ششم، ۷ج.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸)، **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴ج.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، **الکافی**، تهران: اسلامیة، چاپ چهارم، ۸ج.
- (۱۳۷۵)، **اصول الکافی**، ترجمه محمد باقر کمره ای، قم: اسوه، چاپ سوم، ۶ج.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ق)، **شرح الکافی**، تهران: المكتبة الاسلامیة، چاپ اول، ۱۲ج.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۶۴)، **آداب معاشرت**، ترجمه ج ۷۱ و ۷۲ **بحار الانوار**، ترجمه محمد باقر کمره ای، تهران: اسلامیة، چاپ اول، ۲ج.
- (۱۴۰۳ق)، **بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم. ۱۱۱ جلد.
- (۱۴۰۴ق)، **مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول**، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۲۶ج.